

## بهره گیری از رویکرد داده کاوی و شناسایی تقلب در صورت های مالی

دکتر فرهاد دهدار

استادیار گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

dehdar1970@yahoo.com

محمد حسین مرادی

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (نویسنده مسئول).

mohamadhosinmoradi66@gmail.com

شماره ۴۵ / تابستان ۱۴۰۰ (جلد چهارم) / صص ۱۱۳-۱۲۳  
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره چهارم)

### چکیده

تقلب از پدیده های رایج و متداول در کسب و کار است. پیشگیری با کشف تقلب های با اهمیت در صورت های مالی همواره کانون توجه سرمایه گذاران، قانونگذاران، استاندارد گذاران، مدیران و حسابرسان بوده است. بر عصر حاضر عصر اطلاعات نام نهاده شده و آنچه که منجر به قدرت و موفقیت می شود، اطلاعات است. داده کاوی پل ارتباطی میان علم آمار، علم کامپیوتر، هوش مصنوعی، الگوشناسی، فراگیری ماشین و بار نمایی بصری داده ها می باشد که در چارچوب فرآیندی، استخراج اطلاعات معتبر، از پیش ناشناخته، قابل فهم و قابل اعتماد از پایگاه داده های بزرگ امکان پذیر می گردد و استفاده از آن در تصمیم گیری در فعالیتهای تجاری مهم نظیر ارتقای کیفیت سودمندی اطلاعات از طریق شناسایی تقلب های مالی میسر می شود. تحقیق حاضر به روش شناخت تاریخی با بهره گیری از اسناد کتابخانه ای و به پشتوانه پیشینه و تحقیقات محققان شواهدی لازم جهت بررسی داده کاوی در تقلب صورت های مالی ارائه می کند. **واژگان کلیدی:** تقلب مالی، داده کاوی، درخت تصمیم گیری، شبکه های عصبی، شبکه های گمانه زنی بیزی.

### مقدمه

اهداف گزارشگری مالی از نیازها و خواسته های اطلاعاتی استفاده کنندگان برون سازمانی سرچشمه می گیرد. هدف اصلی بیان آثار اقتصادی رویدادها و عملیات مالی بر وضعیت و عملکرد واحد تجاری برای کمک به اشخاص خارجی برای اتخاذ تصمیمات مالی در ارتباط با واحد تجاری است (ثقفی و عرب مازیار یزدی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). اما امروزه ورشکستگی، تقلب و عدم موفقیت شرکت ها همواره مسئله ای پیچیده و درخور توجه بوده است (زارع بهنمیری و ملکیان کله بستی، ۱۳۹۴). شواهد زیادی از حساب سازی در به کارگیری حسابداری وجود دارد و به صورت گسترده از آن استفاده می شود که این امر به عنوان پدیده رایج و مخرب کارایی، نقدینگی و امنیت بازارهای مالی جهانی، بازارهای سرمایه و بدهی به دلیل وجود تقلب در صورت های مالی که عامل اساسی در بحران مالی اخیر و رکود اقتصادی جهانی می باشد، تهدید می کند (اسپاتیس<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۷).

<sup>1</sup> Saghafi, A, Arabmazar Yazdi

<sup>2</sup> Spathis